

فوریه ۱۹۹۱، در ادامه تماس‌های فشرده‌ای که افراد ما با آکادمی شوروی برای انرژی اتمی انجام دادند، در رأس هیأت کوچکی که شامل دوستم روحیا واردی، عضو هیأت مدیره «توسعه زمین» و پروفیسور ایلیا زامسف می‌شد به مسکو رقتم. ایسِن یک هدف انقلابی بود؛ اولین تلاش به منظور تحت کنترل در آوردن دانش هسته‌ای که در اتحاد جماهیر شوروی توسعه یافته بود برای حل مشکلات آب اسرائیل. به عبارت دیگر، شیرین کردن آب در اسرائیل به وسیله انرژی هسته‌ای از روسیه.

موضوع شیرین کردن آب برای من جدید نبود. از ۱۹۶۲ هنگامی که به عنوان مستشار ارتش اسرائیل در تهران خدمت می‌کردم و همچنین بعد از آن، هنگامی که تاجر شخصی بودم، در شیرین کردن آب فعالیت کرده بودم. تمام تأسیسات آب شیرین‌کن در جهان کم‌وبیش بر طبق این اصول کار می کردند: استفاده از انرژی برق برای تبخیر و شیرین کردن آب دریا.

در اسرائیل شرکت «مهندسی آب شیرین‌کن» این چنین فعالیت می‌کرد، که خوب کار کرد و این دانش اسرائیلی را به نقاط بسیاری از جهان صادر

«امید و شکست» **خاطر ات سال‌ها فعالیت اطلاعاتی – امنیتی یعقوب نیمرودی برای اسرائیل – ۷۳**

انرژی هسته‌ای از روسیه؛ آب از اسرائیل



آب شیرین‌کن است. در حقیقت در جهان تنها در اتحاد جماهیر شوروی تأسیسات آب شیرین‌کن با انرژی هسته‌ای با موفقیت کار می‌آورد، در غرب هم طی دهه شصت تحولات مشابهی آغاز شد، اما آنها بعد از مدتی بدون ترقی ماندند. با این وجود در اتحاد جماهیر شوروی این توسعه تکمیل شد و یک تأسیسات آب شیرین‌کن بزرگ ساخته شد، که آب شیرین در شوجنگو – یک شهر علمی مجرمانه که در منطقه‌ای بیابانی در قزاقستان بر ساحل دریای خزر تأسیس شده بود– در تولید می‌کرد. این تأسیسات بیش از پانزده سال با موفقیت کار کرده بود و تقریباً تمام آب مصرفی صدها هزار کارگر و اعضای خانواده‌شان را که در آن جا زندگی و کار می‌کردند تولید می‌کرد.

۱۱ فوریه ۱۹۹۱ به مسکو رقتم. اسرائیل را با جس سختی ترک کردم. روزهای سخت جنگ

ج – استفاده از نیروهای فکری

نیروهای فکری سومندترین و کارآمدترین نیروهایی هستند که یک دستگاه حاکمه می‌تواند در اختیار داشته باشد،دست‌کم به‌این دلیل که نیروهای نظامی و اقتصادی، نهایت کاری که می‌توانند انجام دهند، «قدرتمند» ساختن دستگاه حاکمه است، حال آن‌که نیروهای «اورانده» دستگاه حاکمه را هم «قدرت» و هم «مشروعیت» می‌بخشد و «مشروعیت» داشتن یک نظام، بهترین ضامن ثبات و بقای آن است. نیروهای فکری و باورانده، همه نیروهایی هستند که درچارچوب نهاد «موزش» پرورش – به وسیع‌تر معنای کلمه که شامل «تجلیات» یا «آوازه‌گری» هم می‌شود – دست‌اندر کار تعلیم و تربیت افراد جامعه و نفوذ در عقاید و باورهای آنانند. بعضی ازفَقائِلَت‌هایی که نظام حاکم با استفاده از نیروهای فکری در جهت منافع و خواسته‌های خود انجام می‌دهد، به‌این شرح است:

۱. اغفال مردم به وسیله کتمان حقایق و جعل و نشر اکاذیب؛ از آن‌جا که آگاهی عموم مردم از مفلسد و ناهنجاری‌های موجود در جامعه به سود نظام حاکم نیست، این نظام همواره می‌کوشد تا جایی که امکان دارد مردم را در جهل و بی‌خبری نگه دارد. بدون شک بعضی از مردم به عدم صلاحیت یک نظام آگاهی و آشنایی دارند. بنابراین نظام حاکم اگر بتواند مردم را نسبت به واقعیت‌هایی خبر کند و جلوی انتشار و شیوع حقایق درناک را بگیرد، به موفقیت بزرگی نائل شده است.

بایسن منظور، برای این‌که مردم به عمق و وسعت فاجعه راه نبرند و هر دست‌ای پندارند که مقابله به همان قلمروی که از آنان از آگاهند، منحصر و محدود است، نظام حاکم حقایق درناک را پنهان و پوشیده می‌دارد، اکاذیب فراوانی برمی‌سازد و همه‌جا می‌پراکند.هم‌چنین، آن مقدار از واقعیات را که تأییدکننده خواسته‌ها، آرا و اعمال اوست را هم می‌گوید و نیز، با اغراق و گزافه‌گویی، چنین واقعیات را می‌کند که حل و رفع مسایل و مشکلات چندان دشوار نیست و به زودی انجام می‌پذیرد و با در نظرگرفتن همه اوضاع و احوال بین‌المللی و جهانی و به‌طور کل، وضع و حال جامعه اگر به کمال مطلوب نیست، نسبتاً مطلوب است.

۲. اشاعه و ترویج آرا و عقایدی که مؤید وضع موجود است؛ نظام حاکم پیوسته تلاش می‌کند که از میان آموزه‌های ادیان، مذاهب و مکتب‌های گوناگون، آن‌ها را که بیابگار تأیید وضع موجود است، برگزیند و اشاعه و ترویج کند. آموزه‌های جبرگرانه، اَعم از جبر طبیعی، جبر اجتماعی، جبر تاریخی و یا جبر الهی، از آن‌جا که وضع موجود را ضروری و اجتناب‌ناپذیر جلوه می‌دهند، برای همه نظام‌های حاکم، به هر صورت و شکلی که باشند، سودمند می‌باشند.

همچنین، آموزه‌های از قبیل «کار خدا بر ما خدا واگذارد، و کار فیصر را به فیصر»، «السلطان ظلّ الله» و «چه فرمان بزدان، چه فرمان شاه»، که برای تأیید و حفظ وضع موجود مفیدند، به‌طور دایم، تکرار می‌شوند. ایندولَری‌هایی مانند «تئوکرایی»، «میثالغامیز و افراطی، که خیانت به دولت به اصطلاح «ملی» را خیانت به «ملت» می‌شمارد و «طن‌پرستی» و «ژاندرستی» نیز، به سبب آثار و نتایج مطلوبی که می‌توانند برای نظام‌های حاکم به‌بار آورد، مورد تأکید و تبلیغ واقع می‌شوند.

اولین تلاش به منظور تحت کنترل در آوردن دانش هسته‌ای که در اتحاد جماهیر شوروی توسعه یافته بود برای حل مشکلات آب اسرائیل.به عبارت دیگر، شیرین کردن آب در اسرائیل به وسیله انرژی هسته‌ای از روسیه.

شیرین‌کن موجود تمرکز کرده‌اند، من یک‌چیز انقلابی را جست‌وجو خواهم کرد و در دهه نود قرن بیستم، در آستانه هزاره جدید، چه چیزی بیشتر از ایجاد تأسیسات آب شیرین‌کن هسته‌ای انقلاب خواهد کرد. تأسیسات آب شیرین‌کن موجود امروز با انرژی برق کار می‌کنند. انرژی هسته‌ای می‌تواند جایگزینی برای برق باشد. این شیوه یک راه‌حل بزرگ است، که هزینه‌های شیرین کردن آب را بسیار پایین می‌آورد، چیزی که ممکن است آب‌های شیرین شده را در مقایسه با آب‌های شیرین شده با برق دهها درصد ارزان کند. در بررسی‌های مقدماتی که با همکاری وزارت انرژی هسته‌ای انجام دادم، روشن شد که اتحاد جماهیر شوروی یک کشور پیشرو در جهان در توسعه انرژی هسته‌ای برای فعال کردن تأسیسات

از یک طرف یک احساس می‌کردم لازم است با اعضای خانواده و دوستانم در این ساعت‌های سخت بمانم، اما از طرف دیگر اعتقاد داشتم جلاسی که در اتحاد جماهیر شوروی برای من معین شده بودند مهم‌تر از این بودند که سفرم را به تعویق بیندازم. در آن روزها هنوز در اتحاد جماهیر شوروی فضا برای تاجران اسرائیلی باز نبود و من

و زیبا، که در تاریخ منحصر به فرد بود برگزار شد. ناپلئون در سال ۱۸۱۲ در آخرین شب قبل از ترک مسکو و آغاز عقب‌نشینی شتایزده به غرب در این مکان اقامت کرده بود. از یکی از توقف‌ها در بحث‌ها استفاده کردم و چند دقیقه به بالکن کوچک مجاور اتاقی که در آن نشسته بودیدم رقتم. مسکو با تمام زیبایی‌اش در برابرم بود. یک لحظه در ذهنم تصور کردم فیصر فرانسه واقعاً در این مکان ایستاده و این شهر سوخته را نظاره می‌کند، که ارتش تزار روس آتش گرفته‌اند و به شرق فرار می‌کنند.

ملاقات با اعضای آکادمی علوم بسیار پرثمر بود. دانشمندان روسی برای ما اصول روش شیرین کردن آب با کمک انرژی هسته‌ای را توضیح دادند و درباره تأسیسات هسته‌ای خودشان که بیش از پانزده سال با موفقیت کار کرده تعریف کردند. به آنها تاریخ شیرین کردن آب در اسرائیل و پروژه‌های شیرین کردن آب را که در گذشته با آنها برخورد داشتم معرفی کردم و نیاز اسرائیل را توضیح دادم. گفتم: «اسرائیل فوراً به تأسیسات آب شیرین‌کن نیاز دارد، اما امروز همه تأسیسات آب شیرین‌کن موجود در بازار تا حد زیادی هزینه‌های آب را افزایش داده است، چیزی که مانع استفاده از آنها می‌شود.» و ادامه دادم «روشی که شما به ما پیشنهاد می‌دهید می‌تواند پاسخ مناسبی به نیازهای فوری اسرائیل بدهد و هزینه‌ها را از آنچه امروز موجود است معقول‌تر کند.»

چو این جلسه عالی بود و آنجا به آنها اعلام کردم که آماده سرمایه‌گذاری صد هزار دلاری برای پشپرد تحقیقات مشترک اتحاد جماهیر شوروی و اسرائیل در زمینه شیرین کردن آب و انرژی هسته‌ای هستم. صحبت‌هایی که از دانشمندان روسی شنیدم من را متقاعد کرد که بپهوه تمام راه را از تل آویسو نیامده بودم. با تمام وجودم باور کردم– و من امروز هم همچنان اعتقاد دارم– که استفاده از انرژی هسته‌ای راه‌حل درست و ارزان برای مشکلات آب اسرائیل است. نه فقط برای اسرائیل، اعتقاد دارم به کمک انرژی هسته‌ای، می‌توانیم تأسیسات آب شیرین‌کن ارزان به کشورهای دیگر عرضه کنیم همچنین فرصت‌های تجاری برای سرمایه‌گذاری در آن دیدم. روز بعد یک یادداشت تفاهم بین آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی و من، به عنوان رئیس هیأت مدیره شرکت «توسعه زمین» امضا شد و بر انجام تحقیق و توسعه مشترک برای تبادل اطلاعات بین اسرائیل و اتحاد جماهیر شوروی و احداث تأسیسات بزرگ آب شیرین‌کن در اسرائیل که توسط سوخت هسته‌ای رانندازی خواهند شد، تصمیم گرفته شد. این تحقیق و توسعه به لطف کمک مالی من به آکادمی علوم امکان پذیر خواهد شد. همان روز به اسرائیل بازگشتم.

پانوشته‌ها:

۱- تا: نام این شهر بندری اکنون به «آی‌تاو» (به انگلیسی: Aktau) تغییر کرده است که در زبان قزاقی به معنی «کوه سفید» است. بندر آی‌تاو همچنان یکی از مراکز انرژی بر تماس‌هایی که در هر ارتباطی برای خرید تأسیسات آب شیرین‌کن با انرژی هسته‌ای انجام دادم تمرکز می‌کنم. اوج آن در ۲۲ فوریه ۱۹۹۱ بود، در ملاقاتی که من و روحیا واردی و پروفیسور زمایتسف با رئیس آکادمی علوم شوروی پروفیسور مارچوک برگزار کردیم. این جلسه در عمراتی قدیمی در قلب مسکو، در یک ساختمان باشکوه

باورقی

Research@kayhan.ir

سخن پایانی

پس از آن تابستان فاجعه‌بار سال ۱۹۶۷، نیکولاس نایاکف مبلغ سخاوتمندانه ۳۴۵۰۰ دلار به عنوان تسویه حساب از بنیاد فار‌فیلد دریافت کرد و به نیویورک نقل مکان کرد تا با بورسیه‌ای که با وساطت آرتور شلزینگر

اجازه بده صمیمانه توصیه کنم که این کار را نکنی. حافظه هیچ کسی مصون از خطا نیست؛ کمترین چیز این که این موضوع حساس است… شک دارم بخواهی تا آخر عمر کانون مجادلات بی‌پایان باشی… پس قویاً توصیه می‌کنم از آن میدان مین دور بمانی.»

دور بمانی.»

در سال‌های باقی‌مانده زندگی، ناباکف به تدریس و آهنگسازی ادامه داد. آخرین پروژه مهم او ساخت موسیقی برای باله «دن کیشوت» به کارگردانی بالاتچین بود که توسط باله شهر نیویورک اجرا شد. اندرو پورتر در نقدی برای نیویورکر نوشت: «متأسفانه هیچ کاری نمی‌توان برای موسیقی رقت انگیز نیکولاس نایاکف کرد که با دستان مرده خویش روح هر نمایشی را بیرون می‌کشد. موسیقی او منقطع، تکرار شونده و بی‌جان است و تلاش‌های ناچیزش برای نشاط بخشی با تکنوازی ترومپت یا ضربه‌های گونگ بی‌ثمر است.»

جنگ سرد فرهنگی؛ سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر – ۲۲۱

برخی ذهن‌ها یخ می‌زند



برایش فراهم شده بود، در دانشگاه سییتی درباره «هنرها در بستر اجتماعی‌شان» تدریس کند. نایاکف استیون اسپندر گهگاه صحبت‌هایی درباره همکاران سابق خود رد و بدل می‌کردند و به شوخی می‌گفتند که «به سبایک گوگول داستان خنده‌داری درباره مردی بنویسند که در هر شغلی و با هر کارفرمایی کار می‌کند، احساس می‌کند که هزینه‌هایش همیشه توسط سازمان سیا پرداخت می‌شود.»

در سال ۱۹۷۲، آن دو اختلاف کوچکی پیدا کردند. آیزایا برلین به نایاکف توصیه کرد موضوع «را‌ها‌ها» کند. گفت: «کاری به کارش نداشته باشد.» برلین همچنین در سال ۱۹۷۶، وقتی نایاکف آهنگساز نا‌یمی شوخی و نیمی تهدید گفته بود که کتابی با عنوان «ساعت‌در خشان سازمان سیا» خواهد نوشت، به او هشدار داد خاطراتش از کنگره را علنی نکند. برلین نصیحت کرد: «اگر درباره این کار جدی هستی،

این بی‌میلی به وا‌کوی گذشته در بسیاری دیگر نیز دیده می‌شد. اسپندر که دوستی‌اش با نایاکف از کدورت سالل ۱۹۷۲ جان به در برده بود، در یادداشت‌های روزانه ثبت کرد که در مارس

صفحه ۱۰

شنبه ۱۷ مرداد ۱۴۰۵

۲۴ صفر ۱۴۴۸ – شماره ۵-۲۴۲

در ۱۹۷۶ در مراسمی در کنسولگری فرانسه در نیویورک شرکت کرد که در آن ژوین دونور^۲ به نایاکف اعطا شد: «فضای طنزآمیزی بر مراسم حاکم بود، کنسول سخنرانی کرد و در مرور تمام زندگی نایاکف، در سراسر آن میان آنچه «آفرینش» و «حرفه» می‌نامید تمایز قائل شد. اگرچه جشنواره‌هایی که او سازمان داده بود فهرست شدند، اما کنگره آزادی فرهنگی با زیرکی نادیده گرفته شد. فرانسوی‌ها در چنین مواقعی چنان راحت دروغ می‌بافند که احساس می‌کنی راست می‌گویند.»

در سال‌های باقی‌مانده زندگی، نایاکف به تدریس و آهنگسازی ادامه داد. آخرین پروژه مهم او ساخت موسیقی برای باله «دن کیشوت» به کارگردانی بالاتچین^۳ بود که توسط باله شهر نیویورک اجرا شد. اندرو پورتر در نقدی برای نیویورکر نوشت: «متأسفانه هیچ کاری نمی‌توان برای موسیقی رقت انگیز نیکولاس نایاکف کرد که با دستان مرده خویش روح هر نمایشی را بیرون می‌کشد. موسیقی او منقطع، تکرار شونده و بی‌جان است و تلاش‌های ناچیزش برای نشاط بخشی با تکنوازی ترومپت یا ضربه‌های گونگ بی‌ثمر است.»

شعار نایاکف، به گفته یکی از دوستانش، می‌توانست این باشد: «همراه شو، پیش برو.» شاید این خصلت را از پدرش به ارث برده بود. یک افسر جوان اطلاعاتی در برلین پس از جنگ، یکبار در یک مهمانی با پدر نودساله نایاکف ملاقات کرده بود: «پرمرده، مثل همه خندان نایاکف، در روسیه امپراتوری یک لیبرال بود. دیدم که به سمت چند مقام عالی‌رتبه شوروی رفت و گفت: «می‌دانید، من همیشه طرف مردم بودهام.» و سپس با همان لیخند چاپلوسانه به سمت میزبانش در آن طرف اتاق رفت و گفت: «پدر بزرگتر شما، عالی‌جناب دوک بزرگ الکساندر میخائیلویوچ را بسیار خوب می‌شناختم.» برابم عجیب بود که یک آدم نود ساله چه نیازی به این ریاکاری‌ها دارد!» نایاکف در سال ۱۹۷۸ درگذشت. به روایت جان‌هانت، «مراسم تشییع‌اش از آن صحنه‌ها بود. هر پنج همسرش آنجا حاضر بودند. پاتریشیا بلیک که پس از یک حادثه اسکلی با عصا راه می‌رفت، مرتب تکرار می‌کرد: «احساس می‌کنم هنوز همسر او هستم.»

ماری کلر تمام نیکمت اول کلیسا را تصاحب کرده بود، انگار که هنوز همسر قانونی اوست. دومینیک، که در زمان مرگ نایاکف همسرش بود، می‌گفت طوری با او رفتار شده بود که انگار وجود ندارد؛ او تنها کسی بود که کناری ایستاده بود. یکی دیگر از زن‌ها، خودش را روی تابوت انداخت و سعی می‌کرد از دهانش او را بیوسد.» این، پایان شایسته‌ای برای مردی بود که عمری با حرکات نمایشی زیست.

پانوشته‌ها:

۱- بکلر او به Elton John خود باشد ۲- Aktau – نام این شهر بندری اکنون به «آی‌تاو» (به انگلیسی: Aktau) تغییر کرده است که در زبان قزاقی به معنی «کوه سفید» است. بندر آی‌تاو همچنان یکی از مراکز انرژی بر تماس‌هایی که در هر ارتباطی برای خرید تأسیسات آب شیرین‌کن با انرژی هسته‌ای انجام دادم تمرکز می‌کنم. اوج آن در ۲۲ فوریه ۱۹۹۱ بود، در ملاقاتی که من و روحیا واردی و پروفیسور زمایتسف با رئیس آکادمی علوم شوروی پروفیسور مارچوک برگزار کردیم. این جلسه در عمراتی قدیمی در قلب مسکو، در یک ساختمان باشکوه

ج – استفاده از نیروهای فکری

نیروهای فکری سومندترین و کارآمدترین نیروهایی هستند که یک دستگاه حاکمه می‌تواند در اختیار داشته باشد،دست‌کم به‌این دلیل که نیروهای نظامی و اقتصادی، نهایت کاری که می‌توانند انجام دهند، «قدرتمند» ساختن دستگاه حاکمه است، حال آن‌که نیروهای «اورانده» دستگاه حاکمه را هم «قدرت» و هم «مشروعیت» می‌بخشد و «مشروعیت» داشتن یک نظام، بهترین ضامن ثبات و بقای آن است. نیروهای فکری و باورانده، همه نیروهایی هستند که درچارچوب نهاد «موزش» پرورش – به وسیع‌تر معنای کلمه که شامل «تجلیات» یا «آوازه‌گری» هم می‌شود – دست‌اندر کار تعلیم و تربیت افراد جامعه و نفوذ در عقاید و باورهای آنانند. بعضی ازفَقائِلَت‌هایی که نظام حاکم با استفاده از نیروهای فکری در جهت منافع و خواسته‌های خود انجام می‌دهد، به‌این شرح است:

۱. اغفال مردم به وسیله کتمان حقایق و جعل و نشر اکاذیب؛ از آن‌جا که آگاهی عموم مردم از مفلسد و ناهنجاری‌های موجود در جامعه به سود نظام حاکم نیست، این نظام همواره می‌کوشد تا جایی که امکان دارد مردم را در جهل و بی‌خبری نگه دارد. بدون شک بعضی از مردم به عدم صلاحیت یک نظام آگاهی و آشنایی دارند. بنابراین نظام حاکم اگر بتواند مردم را نسبت به واقعیت‌هایی خبر کند و جلوی انتشار و شیوع حقایق درناک را بگیرد، به موفقیت بزرگی نائل شده است.

بایسن منظور، برای این‌که مردم به عمق و وسعت فاجعه راه نبرند و هر دست‌ای پندارند که مقابله به همان قلمروی که از آنان از آگاهند، منحصر و محدود است، نظام حاکم حقایق درناک را پنهان و پوشیده می‌دارد، اکاذیب فراوانی برمی‌سازد و همه‌جا می‌پراکند.هم‌چنین، آن مقدار از واقعیات را که تأییدکننده خواسته‌ها، آرا و اعمال اوست را هم می‌گوید و نیز، با اغراق و گزافه‌گویی، چنین واقعیات را می‌کند که حل و رفع مسایل و مشکلات چندان دشوار نیست و به زودی انجام می‌پذیرد و با در نظرگرفتن همه اوضاع و احوال بین‌المللی و جهانی و به‌طور کل، وضع و حال جامعه اگر به کمال مطلوب نیست، نسبتاً مطلوب است.

۲. اشاعه و ترویج آرا و عقایدی که مؤید وضع موجود است؛ نظام حاکم پیوسته تلاش می‌کند که از میان آموزه‌های ادیان، مذاهب و مکتب‌های گوناگون، آن‌ها را که بیابگار تأیید وضع موجود است، برگزیند و اشاعه و ترویج کند. آموزه‌های جبرگرانه، اَعم از جبر طبیعی، جبر اجتماعی، جبر تاریخی و یا جبر الهی، از آن‌جا که وضع موجود را ضروری و اجتناب‌ناپذیر جلوه می‌دهند، برای همه نظام‌های حاکم، به هر صورت و شکلی که باشند، سودمند می‌باشند.

همچنین، آموزه‌های از قبیل «کار خدا بر ما خدا واگذارد، و کار فیصر را به فیصر»، «السلطان ظلّ الله» و «چه فرمان بزدان، چه فرمان شاه»، که برای تأیید و حفظ وضع موجود مفیدند، به‌طور دایم، تکرار می‌شوند. ایندولَری‌هایی مانند «تئوکرایی»، «میثالغامیز و افراطی، که خیانت به دولت به اصطلاح «ملی» را خیانت به «ملت» می‌شمارد و «طن‌پرستی» و «ژاندرستی» نیز، به سبب آثار و نتایج مطلوبی که می‌توانند برای نظام‌های حاکم به‌بار آورد، مورد تأکید و تبلیغ واقع می‌شوند.

۳. تضعیف روحیه استقلال و مقاومت؛ نظام حاکم برای آن که هم فرصت و مجال پرداختن به مسایل و مشکلات اجتماعی و سیاسی را از مردم، و به‌ویژه جوانان، بگیرد و هم آنان را به تنبلی، سستی و وارفتگی سوق دهد از فضا و نفوذ خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس، خائن به ملت و طرفدارانشان خود را در مردم کاهش دهد و مانع ازدیاد تعداد طرفدارانشان شود، هجوم تبلیغاتی غلطی بر ضد آنان را سازمان می‌دهد؛ آنان را مَنهم به داشتن اهداف و مقاصد بشوم، فرصت‌طلبی، عولم‌فریبی، اجنبی‌پرستی، مزدوری بیگانه، ستون پنجم دشمن، جاسوس،